

پیامبر اکرم (ص): الهام‌بخش تمدن و اخلاق

مجموعه‌ای از فیلسوفان، مورخان و نویسندگان برجسته غربی همچون تولستوی، کارلایل، لامارتین، مایکل هارت و برنارد شاو در آثار خود به عظمت شخصیت پیامبر اسلام (ص) اذعان کرده‌اند؛



مجموعه‌ای از فیلسوفان، مورخان و نویسندگان برجسته غربی همچون تولستوی، کارلایل، لامارتین، مایکل هارت و برنارد شاو در آثار خود به عظمت شخصیت پیامبر اسلام (ص) اذعان کرده‌اند؛ دیدگاه‌هایی که بر صداقت، اخلاق والا، شجاعت و نقش بی‌بدیل آن حضرت در هدایت بشریت و بنیان‌گذاری تمدن، مبتنی بر عدالت و معنویت تأکید دارد. مجموعه‌ای از فیلسوفان، مورخان و نویسندگان برجسته غربی همچون تولستوی، کارلایل، لامارتین، مایکل هارت و برنارد شاو در آثار خود به عظمت شخصیت پیامبر اسلام (ص) اذعان کرده‌اند؛ دیدگاه‌هایی که بر صداقت، اخلاق والا، شجاعت و نقش بی‌بدیل آن حضرت در هدایت بشریت و بنیان‌گذاری تمدن مبتنی بر عدالت و معنویت تأکید دارد. به گزارش ایسنا، به بهانه ۱۷ ربیع الاول و ولادت حضرت رسول اکرم (ص)، بخشی از دیدگاه‌های فیلسوفان و اندیشمندان غربی غیرمسلمان درباره پیامبر اسلام (ص) منتشر می‌شود که گواهی روشن بر حقانیت نبوت و رسالت پیامبری است که خداوند متعال او را پاس داشت و پادشاه را در جهان جاودانه ساخت تا پیام آور همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. در زیر بخشی از اظهارنظرهای چهره‌های مختلف جهان را که در کتاب‌ها درج شده است برگزیده ایم تا به بیان شخصیت پیامبر خاتم از نگاه دیگران بپردازیم:

پروفسور ویل دورانت مورخ مشهور آمریکایی می‌نویسد: «اگر میزان تأثیر این مرد بزرگ را در مردم بسنجیم، باید بگوییم که حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) از بزرگ‌ترین بزرگان تاریخ انسانی است. وی در صدد بود سطح معلومات و اخلاق قومی را که از فرط گرمای هوا و خشکی صحرا به تاریکی توحش افتاده بودند اوج دهد. در این زمینه توفیقی یافت که از توفیقات تمام مصلحان جهان بیش‌تر بود. کمتر کسی را جز او می‌توان یافت که همه آرزوهای خود را در راه دین انجام داده باشد؛ زیرا به دین اعتقاد داشت.

از قبایل بت‌پرست و پراکنده در صحرا، امتی واحد به وجود آورد. برتر و بالاتر از دین یهود و دین مسیح و دین قدیم عربستان، آیینی ساده و دینی روشن و نیرومند با معنویاتی که اساس آن شجاعت و مناعت قومی بود پدید آورد که در طی یک نسل در یکصد معرکه نظامی پیروز شد و در مدت یک قرن امپراطوری عظیم و پهناوری به وجود آورد و در روزگار ما نیروی مهمی است که بر یک نیمه جهان نفوذ دارد.

تولستوی نویسنده و فیلسوف بزرگ روسی، تحت تأثیر اسلام و تعالیم آن در زهد، اخلاق و عرفان قرار گرفت. او مجذوب ویزگی‌های پیامبر شد و در مقاله محمد کیست؟ نوشت:

«محمد هم بنیان‌گذار و هم پیامبر است. او در زمره مردان بزرگی است که عمیقاً در ساختار اجتماعی خدمت کردند. همین بس که او امتی کامل را به سوی نور حقیقت هدایت کرد، آنان را به سوی صلح و آرامش کشاند، به زهد و پارسایی فراخواند و از خونریزی و قربانی انسان بازداشت و راه را برای توسعه و تمدن هموار ساخت. این کاری سترگ است که تنها مردی نیرومند می‌تواند انجام دهد و مردی چون او شایسته احترام و ستایش است.»

جورج برنارد شاو، نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرلندی می‌گوید: به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد آنرا دارد که بتواند با تحولات اعصار مختلف زندگی بشر همگام گردد. من راجع به مذهب محمد پیشگویی می‌کنم که این مذهب را اروپای فردا خواهد پذیرفت، همانطوری که این مذهب به نظر اروپایی‌های امروز قابل قبول گردیده است.

کلیسای قرون وسطی یا از روی جهل و یا از روی تعصب، اسلام را به وضع تاریک و مبهمی رنگ آمیزی کرده است. آنها این طور وانمود کرده‌اند که به نظر مردم، محمد ضد مسیح آمده و اینچنین مسیحیان را از مذهب اسلام متنفر ساخته‌اند.

من زندگی و کار محمد را مطالعه کرده‌ام، به عقیده من نه تنها او ضد مسیح نیست، بلکه او را باید نجات‌دهنده عالم بشریت دانست. من اعتقاد دارم اگر مردی مانند محمد، دیکتاتوری دنیای جدید را به دست بگیرد، می‌تواند مسایل این جهان را چنان حل کند که آن صلح و سلمی که دنیا به آن نیازمند است تأمین شود...

ادوارد گیبون، نویسنده و مورخ انگلیسی معتقد است: عقاید محمد، عاری از تردید و ابهام است و قرآن یک شاهد باشکوه از وحدانیت خداوند است. پیامبر مکه، پرستش بت‌ها و انسان‌ها و ستارگان را رد کرد؛ با این اصل عقلانی که هرچیزی که ظهور و بعد افول و مرگ دارد، شایسته پرستش نیست...

پیامبر مکه، پرستش بت‌ها و انسان‌ها و ستارگان را رد کرد؛ با این اصل عقلانی که هرچیزی که ظهور و بعد افول و مرگ دارد، شایسته پرستش نیست.

آلفونس دو لامارتین نویسنده، شاعر و سیاستمدار مشهور فرانسوی قرن نوزدهم می‌گوید: اگر بزرگی هدف، ناچیزی وسایل و نتایج حیرت‌انگیز، سه معیار برای نبوغ بشر باشد، چه کسی جرأت دارد در تاریخ مدرن، مرد بزرگی را با محمد-صلی الله علیه وسلم- مقایسه کند؟ معروف‌ترین مردان، تنها سلاح، قوانین و امپراتوری را تأسیس کردند. آنها چیزی بیش از قدرت مادی تأسیس نکردند که در هر صورت، اغلب در جلو چشم آنها از هم پاشیده شد. این مرد نه تنها ارتش، قانون، امپراتوری، امت و حکومت را به حرکت درآورد، بلکه میلیون‌ها نفر از مردان در یک سوم از جهان مسکونی آن روز و نیز بیشتر از آن، عبادت‌گاه‌ها، خدایان، ادیان، عقاید، باورها و روحها را متحول ساخت.

توماس کارلایل فیلسوف، نویسنده ی طنزپرداز، مقاله نویس و مورخ اسکاتلندی در کتاب خود تحت عنوان «قهرمانان و قهرمان پرستی» درباره ی محمد-صلی الله علیه وسلم- نوشته است:

بسیار شرم آور است که کسی به این اتهام گوش کند، که اسلام یک دروغ و محمد-صلی الله علیه وسلم- یک کلاهبردار و فریبکار بوده است. ما دیدیم که او با عزم و اراده ی راسخ و مهربان و بخشنده، دلسوز، وارسته، پرهیزکار، با مردانگی واقعی، سخت کوشی و اخلاص، بر اصول خود ثابت قدم باقی ماند. علاوه بر تمام این ویژگی ها، او در برخورد با دیگران اهل مدارا، بردباری، مهربانی و خوشرویی بود و حتی گاهی با یاران خود مطایبه و مزاح می کرد. او عادل، راستگو، باهوش، خالص، بزرگوار و حاضرذهن بود. چهره ی او چنان درخشان بود که گویا چراغی در درون خود داشت تا تاریک ترین شبها را روشن کند، او یک مرد بزرگ بود، با این خصوصیت که در یک مدرسه درس نخوانده بود و توسط یک معلم پرورش نیافته بود، چرا که او به هیچکدام از اینها نیازی نداشت.

یوهان ولفگانگ می گوید: ما اروپایی ها، با تمام مفاهیم مان نمی توانیم به آنچه محمد-صلی الله علیه وسلم- رسیده است برسیم و هیچ کس قادر نخواهد بود تا از او پیشی بگیرد. من تاریخ بشریت را برای پیدا کردن یک الگو، بررسی کرده ام و متوجه شدم که تنها محمد-صلی الله علیه وسلم- است که باید به عنوان یک حقیقت آشکار شود. در واقع، محمد-صلی الله علیه وسلم- موفق شد کل جهان را برای عقیده ی توحید تحت کنترل در آورد.

مهاتما گاندی رهبر هند در مورد شخصیت محمد-صلی الله علیه وسلم- در مجله ی «هند جوان» می گوید: من می خواستم بهترین کسی را که امروزه بصورت بی چون و چرا بر قلب میلیون ها نفر از مردم حکومت می کند، بشناسم. من بیشتر به این قناعت رسیده ام که این شمشیر نبود که در برنامه ی زندگی آن روزها، جایی را برای اسلام بدست آورد. این ساده زیستی پیامبر-صلی الله علیه وسلم-، توجه وسواس گون به وعده هایش، اخلاص و ایثار شدید نسبت به دوستان و پیروانش، شجاعتش، بی باکی اش، اعتماد مطلق او به خداوند در مأموریتش؛ اینها و نه شمشیر، همه چیز را برای آنها بدست آورد و بر هر مانعی غلبه کرد. وقتی که من جلد دوم کتاب (زندگینامه پیامبر-صلی الله علیه وسلم-) را بستم، متأسف شدم که چیز دیگری برای خواندن من درباره ی زندگی این مرد بزرگ وجود ندارد.

دکتر گوستاو ویل خاورشناس آلمانی در کتاب «تاریخ ملل اسلامی» می نویسد: محمد-صلی الله علیه وسلم- یک الگوی درخشان برای قوم خود بود. شخصیت او خالص و بی شائبه بود. خانه اش، لباسش، خوراکش متمایز با یک سادگی نادر بود. تا آنجا بی تکلف بود که از اصحاب خود هیچ علامت خاصی از احترام دریافت نکرد و هر خدمتی که می توانست برای خود انجام دهد از غلامش قبول نمی کرد. او برای همه و در هر زمانی قابل دسترسی بود. از بیمار عیادت می کرد و سرشار از همدردی برای همه بود. خیرخواهی و سخاوت او نامحدود بود. همچنین دلوپسی و نیک خواهی او برای رفاه جامعه بود.

گوته، شاعر پرآوازه آلمانی پس از آشنایی با دین اسلام و پیام آور این آیین یگانه، قطعه شعری با عنوان «نغمه محمد» درباره پیامبر اعظم (ص) سرود. این قطعه شعر از زبان نزدیک ترین خویشان پیامبر؛ یعنی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام گفته می شود. گوته در شعرش همه مراحل و مقاطع دعوت رسول اکرم(ص) و راهنمایی اش در میان مردم را به زبان توصیف و تشبیه و نماد می آورد.

جان اسپیزیتو استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا می گوید: «او را باید منجی بشریت خواند. من اعتقاد دارم که اگر مردی مثل او حاکمی در عصر جدید می شد، برای حل مشکلاتش از صلح و دوستی استفاده می کرد. او عالی ترین مردی بود که روی زمین پا گذاشته است. او به دین دعوت کرد. یک تمدن را پایه گذاری کرد. ملتی را بنا نهاد. اخلاق را نهادینه کرد. اجتماعی زنده و قدرتمند ایجاد کرد تا آموزش های او را به صحنه عمل آورد و دنیای تفکر و رفتار انسانی را برای همیشه و به طور کامل منقلب کرد. نام او «محمد» است. در سال ۵۷۰ بعد از میلاد، در عربستان چشم به جهان گشود. رسالت خود برای دعوت به دین راستین (اسلام) را در سال چهلیم عمر خود آغاز کرد و در شصت و سومین سال عمرش با جهان وداع گفت. در مدت کوتاه ۲۳ سال از پیامبری اش به پرستش خدای یگانه رهنمون شد. وی مردم را از جنگ و نزاع های قبیله ای رهانید و به اتحاد و همبستگی ملی رسانید. او در این مدت، مردم را از هرزگی و مستی به اعتدال و پرهیزکاری، از بی قانونی به زندگی نظام مند، و از تباهی به بالاترین معیارهای تعالی اخلاقی هدایت کرد. تاریخ بشری چنین دگرگونی کامل را از جانب یک شخص یا در مکان دیگر قبل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یا پس از او نشناخته است. تصور همه این عجایب باور نکردنی در طی این دو دهه نخست است.»

خانم گارن آرمسترانگ، از صاحب نظران غیر مسلمان وین است. پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۲ م. در مورد زندگی پیامبر اسلام، کتابی نوشت که در ردیف پرفروش ترین کتاب های سال آمریکا و اروپا قرار گرفت. انگیزه اصلی او در نوشتن کتاب مذکور، دفاع از اسلام و روشن کردن ذهن مسیحیان غربی به پیامبر اسلام بود. او در مقدمه کتابش چنین نوشته است: «بیشتر هم پیامبر صرف جلوگیری از برخوردهای وحشیانه گردید؛ زیرا لغت اسلام که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است، از ریشه «سلام» به معنای «صلح» گرفته شده است. محمد(ص) مرد جهاد بود، ولی یک صلح طلب واقعی هم بود؛ زیرا جان و اعتقاد نزدیک ترین یاران خود را در جریان صلح با مکه به گرو گذاشت تا این اتحاد بدون خونریزی به انجام رسد. او به جای خونریزی و قتل عام، در فکر مذاکره و صلح بود. آگاهی از داستان واقعی زندگی حضرت محمد(ص) در این مقطع خطرناک تاریخ بشری، لازم است و نباید اجازه داد که متعصبین خیره سر با تحریف زندگی پیامبر به نفع خود از آن استفاده کنند. انسان غربی معاصر از داستان زندگی آن حضرت، مسائل بسیار مهم تری را برای هدایت خود در این دنیای متغیر باید بیاموزد»

کارل ماکس می نویسد: حقیقت انکار ناپذیر این است که محمد مبعوث شد تا رسالتی را که خلاصه رسالات سابق و مافوق آنها بود، برای عالم بیاورد.

الکساندر دوما می نویسد: محمد، معجزه شرق بود؛ زیرا دینش دارای آموزه های بزرگی بود. اخلاقش برجسته بود و رفتاری پسندیده داشت.

این پیامبر که با رسالتش آغازگر عصر دانش و نور و معرفت بود، سزاوار است که تمام سخنان و رفتارش به شیوه علمی تدوین گردد. او با تعالیم آسمانی اش وظیفه داشت که تمام مطالب نابخردانه و اوهام و خرافاتی که نادانان و دانشمندان آگاه، بر ادیان گذشته افزوده بودند بزداید.

محمد(ص) مردی بود که از میان مردمی بت پرست با اراده آهنین برخاست و آنان را به یگانه پرستی دعوت کرد و در دل های ایشان روح و روان جاودانی کاشت. بنابراین او را نه تنها باید در ردیف مردان بزرگ و برجسته تاریخ شمرد، بلکه سزاوار است که به پیامبری او اعتراف کنیم و از دل و جان بگوییم که او پیامبر خداست. جان پورت، اسلام شناس معروف انگلیسی در کتاب «عذر تقصیر به پیش گاه محمد و قرآن» چاپ لندن، سال ۱۸۶۹ چنین نگاشته است:

نویسندگانی که کورکورانه تحت تأثیر تعصب قرار گرفته و گمراه شده اند و در نتیجه به حسن شهرت زنده کننده آیین یکتا پرستی اهانت روا داشته اند؛ نه فقط ثابت کرده اند که روح خیرخواهی نجات دهنده (مسیح) که با آن همه استقامت و قدرت در انجام آن پایداری نشان داده، در آن ها تأثیر ننموده است؛ بلکه در قضاوت نیز راه خطا پیموده اند؛ زیرا با مختصر تأمل و تفکری می توانستند این نکته را درک کنند و دریابند که پیغمبر و تعلیمات او را نباید از نظر یک نفر مسیحی یا از لحاظ فکر اروپایی انتقاد کنند؛ بلکه این بحث باید از نظر شرقی مورد قضاوت قرار گیرد و به عبارت دیگر شخصیت محمد را به عنوان یک نفر مصلح دینی و قانون گذاری که در قرن هفتم مسیحی در آسیا قیام کرده است، باید مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. در این صورت بدون شک اگر او را یکی از نوادر جهان و منزله ترین نوابغی که گیتی تاکنون توانسته است پرورش دهد به شمار نیاوریم ستم بزرگی را مرتکب شده ایم. همانا باید او را بزرگ ترین و یگانه شخصیتی بدانیم که قاره آسیا می تواند به وجود چنان فرزندی برخورد بیابد.

هرگاه وضع اعراب را قبل از ظهور محمد در نظر بگیریم و با اوضاع بعد از قیام او مقایسه کنیم، و هرگاه اندک تفکری در شعله عشق و علاقه ای که در قلوب پیروان او برافروخته شده و تا به امروز به همان حال باقی است توجه کنیم، به خوبی احساس می کنیم که اگر از تمجید و تکریم چنان مرد بزرگ و فوق العاده ای خودداری کنیم بی انصافی است. رهبرسی سایکس نویسنده مشهور انگلیسی در کتاب «تاریخ ایران» می نویسد: «به عقیده شخصی من حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) در میان عالم بشریت بزرگ ترین انسانی است که با یک مرام عالی، تمام هم خود را مصروف این داشت که شرک و بت پرستی را از اندیشه ها منهدم ساخته و به جای آن افکار بلند اسلام را برقرار سازد. خدمت وافر و نمایانی که از این راه به نوع بشر نموده، خدمتی است که آن را ستایش نموده و سر تعظیم فرود می آورم.

جواهر لعل نهرو نخست وزیر پیشین هند در کتاب خود «نگرشی بر تاریخ جهان» چنین می گوید: محمد (صلی الله علیه و سلم) برای نشر رسالت خود شتاب نداشت؛ بلکه مدتی در سکوت زندگی کرد. مایه شگفتی و اعتماد هموطنان خود واقع شد تا آن جا که او را «امین» لقب دادند. او به خود و پیامبری خود باور داشت و با این اعتماد و ایمان، وسایل اقتدار، عزت و مناعت را برای امت خویش مهیا ساخت و آن ها را از مردمانی ساکن صحرا به سرورانی مبدل کرد که نصف جهان شناخته شده زمان خود را فتح کردند.

همیلتن گیپ استاد دانشگاه لندن و اکسفورد (Oxford) می نویسد: اما شگفت انگیزتر از سرعت کشورگشایی ها، خاصیت نظم و ترتیب آن ها بود، در طی سال ها جنگ می بایست خرابی هایی به بار آمده باشد؛ اما بر روی هم تازیان [مسلمانان] که آثاری از ویرانی برجای نگذاشته بودند، راه را برای یک پارچه شدن اقوام و فرهنگ ها هموار می کردند.

ساخت قانون و حکومتی که محمد (صلی الله علیه و سلم) برای اخلاف خود یعنی خلفا به میراث نهاده بود، ارزش خود را در ضبط و نظارت بر کارهای این سپاه بدوی به اثبات رسانده بود.

اسلام در درون دنیای متمدن خارجی به عنوان خرافات خام طایفه های غارت گر راه نیافت؛ بلکه به عنوان نیرویی اخلاقی معرفی شد که احترام همگان را برمی انگیزت و به منزله آیینی منطقی که مسیحیت روم شرقی و دین زرتشت را در ایران، یعنی هر یک از این دو کیش را در سرزمین و خاستگاه خویش می توانست به مبارزه بطلبد.

پروفسور آنه ماری شیمیل، اسلام شناس معاصر آلمانی نوشته است: همین آرمان تقلید از محمد است که مسلمانان را از مراکش گرفته تا اندونزی به این اندازه یکسانی کردار بخشیده است، هر کس به هر جایی که باشد می داند که هنگام در آمدن به منزلی چگونه رفتار کند، کدام عبارت تعارف آمیز را کار برد، در همنشینی از چه بهره یزد، چگونه غذا بخورد، چگونه سفر کند؛

کودکان مسلمان قرن هاست که به این شیوه ها پرورش یافته اند و تنها در این اواخر بود که این دنیای سنتی بر اثر هجوم فرهنگ تکنولوژیکی امروز از هم فروپاشید.

ریورینت باسوارت سمیت، استاد دانشگاه اکسفورد می گوید: محمد(ص) هم حاکم بود هم رهبر دینی، حاکم بدون گارد و تشریفات، بدون بادی گارد، بدون کاخ و قصر و بدون مصارف و هزینه مقرر. اگر کسی در تاریخ به طور صحیح و عادلانه حکومت کرده باشد، محمد(ص) است. او بدون آلات و ابزار قدرت و بدون کدام پشتیبانی تمام قدرت را بدست آورد.

کی اس رامنا کریشنا راو، پروفسور فلسفه هندی می گوید: این خیلی مشکل است که ما کاملاً به شخصیت محمد(ص) پی ببریم. من اجمالاً به آن نظر می اندازم، محمد پیامبر است، محمد تاجر است، محمد حاکم است، محمد سخن ور است، محمد مصلح است، محمد پناهگاه یتیمان است محمد حامی و نجات دهنده غلامان و زنان است، او داور و دادگستر است، او نجیب و شریف است، خلاصه کلام اینکه تمام این کارکردها در بخش های فعالیت های بشری بیان گر این است که او مثل یک قهرمان است.

دیوان چندشرما دانشمند هندی در کتابش پیامبر مشرق، ص ۱۲ می گوید: محمد روح مهربانی و عطوفت بود، او بیشتر و یا کمتر از یک انسان نبود؛ اما شخصیتی بود که هدف مقدس داشت، هدفش متحد نمودن بشر بر یکتا پرستی بود، پرستش نمودن خدای

یک و یگانه، تعلیم نمودن راه انسانیت و ایمان داری در سطح بالای از زندگی، استوار و مبتنی بر دستورات خداوند بود، او همیشه خود را بنده و پیامبر خدا می دانست و همه فعالیت هایش برای خدا بود.

جان برناس دین شناس مشهور می گوید: سراسر عالم اسلام، اصول اساسی و قوانین اخلاقی خود را از سر چشمه قرآن اخذ میکنند. محمد(ص) در کردار و رفتار تابعین خود اندیشه بسیار فرموده و باید گفت که برای آنها یک روش قانونی برقرار نموده که بسیار واضح و صریح به سوی هدف و مقصودی واحدی سیر می کند و آن همان بالا بردن سطح اخلاق آنهاست. به گونه ای که مقام اعراب را از عالم جدال و شقاق عشایری قدیم ترفیع داده در یک سطح اخوت و برادری عام قرار داد. بنابراین، عمل هر مسلمان از زن و مرد، از هنگام تولد تا زمان موت متوجه آن هدف می باشد. احکام که پیامبر در حرمت شراب و قمار آورده، همچنان قوانینی در باب روابط جنسی وضع کرده، دستور زندگی اجتماعی افراد است و مقام زن را به رتبه اعلی می برد و از همان زمان تشریع، این شارع بزرگ در زندگانی پیروان خود تغییری فراوان ایجاد نموده است.

ویلیام سویر، ادیب و دانشمند انگلیسی، در کتابش «سیره محمد» می گوید: محمد(ص) با روشنی کلامش و آسانی شریعتش، سرآمد همه بزرگان جهان است، او با کارهای برجسته اش عقل ها را به تحیر واداشت و تاریخ، مصلحی همانند وی که در زمان کوتاه، بشریت خفته را بیدار کرد و خوی های نیکو را رایج و دانش و فضیلت را ارزش بخشیده باشد، سراغ ندارد.

جیمز میسنر تاریخ نگار اروپایی در مقاله خود با عنوان شخصیت خارق العاده نوشت: «با شخصیت خارق العاده اش، محمد (صلوات و درود خدا بر او) در شبه جزیره عربستان و در سراسر شرق انقلابی پدید آورد. او با دستان خالی بت ها را در هم شکست و دینی جاودانه بنیان نهاد که مردم را به ایمان به خدای یکتای قادر متعال فرا می خواند.»

ادوارد رمزی شرق شناس آمریکایی گفت: «محمد با پیام خدای یکتای قادر متعال به جهان آمد تا مردم را از تاریکی به سوی نور رهنمون شود. سپیده دمی تازه در افق پدیدار شد. روزی که او وحی را دریافت کرد، این مصلح بزرگ، عدالت و آزادی از دست رفته جهان را بازگرداند. خرد استوار او نادانان را روشن کرد و عرب ها سرانجام از خواب سنگین بندگی بیدار شدند.»

لامارتین شاعر و فیلسوف فرانسوی می گوید: «پایداری محمد به مدت ۱۲ سال پیاپی، در حالی که پیام خود را در میان دشمنانش در قلب مکه و اطراف آن تبلیغ می کرد، شجاعت و صبر او در برابر خشم مشرکان بت پرست، شور او در گسترش پیامش، جنگ هایی که با نیروهای نامساوی جنگید، و بلندپروازی او که به طور کامل وقف ترویج کلام حقیقت و تثبیت عقیده درست شده بود - نه در پی پادشاهی - همگی نشان می دهند که محمد به ایمانی استوار و عقیده ای راستین تکیه داشت تا بشریت را از ستم و خواری رها سازد. این باور که روح او را فراگرفته بود، سرچشمه نیروی او در زنده کردن اندیشه ای بزرگ بود؛ اندیشه ای که خدایان دروغین را نابود ساخت و شیوه ای تازه از تفکر درباره زندگی و امور مردم بنیان گذاشت. او فاتح اندیشه ها، پیشگام عقل، ترویج دهنده عقاید آزادکننده و بنیان گذار دینی بی تصویر بود.»

فرانسوا ولتر فیلسوف فرانسوی نوشت: «تمام آیین هایی که محمد بنیان نهاد، روح را تسخیر و پالایش کردند؛ زیبایی آنها تحسین و احترام عمیقی برای دین محمدی به همراه آورد. به همین دلیل، بسیاری از ملت های جهان اسلام را پذیرفتند، حتی مردم آفریقای مرکزی و ساکنان جزایر اقیانوس هند و آرام.»

مایکل هارت، دانشمند آمریکایی، موفقیت پیامبر در گسترش اسلام را به بردباری این دین و عظمت اخلاق پیامبر (ص) نسبت داد. او ایشان را در صدر فهرست صد شخصیت تأثیرگذار تاریخ قرار داد و نوشت: «محمد تنها فردی در تاریخ بود که هم در عرصه دینی و هم در عرصه دنیوی به عالی ترین موفقیت رسید و به رهبری سیاسی و نظامی نیز دست یافت.»

ویلیام مویر تاریخ نگار انگلیسی در کتاب زندگی محمد نوشته است: «محمد (ص) با شفافیت سخنانش و سادگی دینش شناخته می شود. او کارهایی شگفت انگیز انجام داد. تاریخ هرگز اصلاح گری را نشناخته که در زمانی چنین کوتاه، روح ها را بیدار کرده، اخلاق نیکو را زنده ساخته و فضیلت را ارتقا داده باشد، همان گونه که محمد، پیامبر اسلام، انجام داد.»